

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۲/۱۵  
تاریخ بررسی مقاله: ۸۶/۳/۲۷  
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۳/۲۸

مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار و تابستان ۱۳۸۶  
دوره سوم، سال چهاردهم، شماره‌های ۱ و ۲  
صص: ۱۱۳-۱۲۸

## بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان ملایر

دکتر غلامرضا رجبی \*

حجت‌اله چهاردولی \*\*

دکتر یوسفعلی عطاری \*\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ملایر پرداخته است. آزمودنی‌ها در این پژوهش ۳۰۲ نفر (۱۵۲ پسر و ۱۵۰ دختر) بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی مرحله‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از مقیاس سنجش عملکرد خانواده (FAD)، مقیاس کلاس من (MCI) و پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی (AISS) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان رابطه معنی‌دار منفی دارد.

**کلید واژگان:** عملکرد خانواده، جو روانی-اجتماعی کلاس، ناسازگاری، دانش‌آموزان دبیرستانی.

\*

\*\*

\*\*\*

## مقدمه

برخورد والدین در خانواده و آداب تعلیم و تربیت است که می‌تواند گرایش نوجوانان به سوی همسالان را تقویت کند و یا اینکه مانع از آن شود. علاوه بر آن، اکثر افرادی که نظریه‌های نوین را مطرح کرده‌اند، مثل پاترسون، راید و دیشیون<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، موفیت<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) و برونفنبرینگر<sup>۴</sup> (۱۹۷۹، ۱۹۸۹)، تأثیرات والدین و همسالان را به صورت ترکیبی مورد ملاحظه قرار داده‌اند. در اکثر تحقیقات، بیشترین سهم در تعیین عوامل یک رفتار به خانواده اختصاص داده شده است. شاید به این دلیل که خانواده اولین آموزشگاهی است که فرد آن را تجربه می‌کند و غنا و محتوای آموخته‌های او ارتباط مستقیمی با عملکرد و محتوای محیط خانواده دارد. این عملکرد نه فقط در برگیرنده عواملی از قبیل امکانات رفاهی خانواده و تحصیلات والدین است، بلکه شامل رشد اخلاقی خانواده، نحوه برقراری ارتباط بین اعضا، مناسب بودن مقررات خانواده، تقسیم نقش‌ها، نحوه برخورد اعضا خانواده با مشکل (حل مسئله)، ابراز عواطف، رفع نیازهای عاطفی و غیره نیز می‌شود (اپشتاین،

مروری بر تاریخچه روانشناسی نوجوانان و جوانان در گذشته نشان می‌دهد که برای بررسی ناسازگاری و مشکلات نوجوانان و جوانان تنها خانواده، مدرسه، جامعه و یا گروه همسال را به صورت تک بُعدی قرار می‌دادند و علت مشکل را در یک عامل جستجو می‌کردند. ولی، دیدگاه‌های مختلف روانشناسی و جامعه‌شناسی عصر جدید بر این اصل قرار دارند که یک عامل به تنهایی تعیین کننده رفتار افراد نمی‌باشد، بلکه عوامل متعددی در ایجاد و شکل‌گیری رفتار نقش دارند و به دنبال آن هستند که سهم هر عامل را در شکل دهی رفتار تعیین نمایند. کیسner و کر<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) معتقدند که اکثر رفتارهای انسان تابع چند عامل می‌باشند. در نتیجه، مشکل رفتاری نوجوانان و جوانان نیز از این قاعده مستثنی نیست. آن‌ها از خانواده، همسالان و بافت‌های فرهنگی (مثل مدرسه) به عنوان عوامل چندگانه اصلی تعیین کننده رفتار مشکل‌دار نوجوانان و جوانان نام می‌برند. مثلاً، همسالان در مدرسه و در طی اوقات فراغت، می‌توانند نوجوان را به سمت و سوی رفتار مشکل‌دار هدایت نمایند. نوع

2- Patterson, Reid, & Dishion

3- Moffit

4- Bronfenbrenner

1- Kiesner, & Kerr

بالدوین و بیشاب<sup>۱</sup>، (۱۹۸۳).  
مینوچین<sup>۲</sup> (۱۹۷۴)، به نقل از ثنایی ذاکر،  
(۱۳۷۵) معتقد است سیستمی که بیش از همه  
بر رفتار فرد اثر دارد، خانواده است. در واقع،  
خانواده نه تنها رفتار سازشی و بهنجار، بلکه  
رفتارهای نابهنجار افراد را شکل می‌دهد.  
بخشی پور رودسری (۱۳۸۰) نیز با مطالعه  
دیدگاه‌های مختلف شبکه ارتباط انسانی بیان  
می‌کند که نخستین و بلاواسطه‌ترین شبکه  
ارتباطی که هر یک از انسان‌ها را فرا گرفته  
است «شبکه روابط خانوادگی» است. به طور  
کلی، بیماری یا مشکل روانی هر یک از افراد  
نتیجه صورت‌های آسیب شناسی روابط  
خانوادگی است. همچنین، مطالعه اپشتاین و  
همکاران (۱۹۸۳) پیرامون عملکرد و کارایی  
خانواده نشان داده است که کارایی خانواده  
بیشتر به ویژگی‌های نظام خانواده، شیوه‌های  
سیستمی و الگوهای تبادلی بین اعضاء آن  
مربوط است و نه به ویژگی‌های درون‌روانی  
یکایک اعضاء خانواده.  
علاوه بر خانواده، آموزش و پرورش نیز  
نهادی اجتماعی است که می‌تواند در  
بالندگی فرد و تبلور شخصیت وی نقش  
بسیار مهمی را ایفا کند. مدرسه بدان دلیل

در رشد شخصیت فرد نقش حیاتی دارد که  
نخست در دورانی از تکامل فرد (چندی بعد  
از خانواده) وارد عمل می‌شود. دوم اینکه با کنترل  
مثبتی که مریبان کودک و نوجوان اعمال  
می‌کنند، امر بالندگی و رشد آنان را برای  
زندگی فردی و اجتماعی مفید، سرعت  
می‌بخشند. دانش‌آموز تنها برای مهارت  
آموزی به مدرسه نمی‌رود، بلکه مدرسه در  
راستای رشد، آفرینندگی و راهنمایی او  
وظیفه مهم دیگری، منجمله سازگاری، را بر  
عهده دارد. لذا، تأثیر محیط خانواده و مدرسه  
در شکل‌گیری شخصیت و بروز رفتارهای  
سازگارانه و ناسازگارانه افراد بر کسی پوشیده  
نیست، به خصوص، در سنین نوجوانی و  
جوانی که دوران هویت یابی و استقلال طلبی  
نوجوان است.  
سان تروک<sup>۳</sup> (۱۹۹۷) عقیده دارد عامل  
بسیار مهمی که تأثیر زندگی خانوادگی و  
محیط مدرسه را مشخص می‌کند، فضای  
عاطفی-روانی موجود در این دو محیط و  
تقویت مداوم رفتارها از طرف خانواده و  
مدرسه در حساس‌ترین سال‌های حیاتی  
زندگی فرد، یعنی، دوران نوجوانی و جوانی

1- Epstein, Baldwin, & Bishop

2- Minuchin

3- Santrock

است. کلاس‌ها و فعالیت‌هایی که به صورت جدی سازمان یافته هستند، در انجام تکالیف و یادگیری خوب دقت می‌کنند، به راهنمایی‌های معلم توجه دارند و از قواعد و راه و روش کلاس پیروی می‌کنند. در ضمن، دانش‌آموزان مدت زیادی را صرف کنش متقابل با معلم می‌کنند و کمتر با همسالان در ارتباط هستند. بر عکس، اگر انضباط و سازماندهی کلاس در سطح پایین باشد کنش متقابل با معلم کمتر و با همسالان بیشتر شده، و پرخاشگری تقویت می‌شود.

روتز و گیلر<sup>۴</sup> (۱۹۸۴) نیز در مطالعه‌ای مشاهده کردند که روابط خانوادگی کودکان بزهکار مختل بوده و این روابط مختل بهترین پیش‌بینی کننده رفتار بزهکارانه است. در این خانواده‌ها روش‌های انضباطی بسیار سست، غیر معقول و یا بسیار سخت‌گیرانه، همراه با تنبیه بدنی، است.

همچنین، تحقیق برینان<sup>۵</sup> (۱۹۸۰) نشان داد که وجود تضادهای خانوادگی و نبودن ارتباط مناسب بین اعضای خانواده از عوامل اساسی فرار نوجوانان است. والدین این نوجوانان معمولاً معتاد به مشروبات الکلی بوده و خشونت، سهل‌انگاری شدید و طرد

همچنین، هوگلند و لیدبیتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نشان دادند که تمرکز بر رفتارهای فرا اجتماعی دانش‌آموزان با همسالان، موجب افزایش رقابت‌های اجتماعی و عدم تمرکز سبب مورد آزار و اذیت واقع شدن دانش‌آموزان، در ارتباط‌های اجتماعی با همسالان، می‌شود. آنان همچنین دریافتند که محرک‌های چند جانبه خانوادگی و سطح پایین آموزش مادران، افزایش مشکلات و مسائل رفتاری و کاهش رفتارهای فرا اجتماعی دانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کنند.

کینس فوگل و گریچ<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای دریافتند که در خانواده‌هایی که بین والدین تعارض‌هایی وجود دارد، این تعارض‌ها می‌توانند بر روابط نامزدی نوجوانان اثر بگذارند. همچنین، آنان مشاهده نمودند افرادی که شاهد دعوی سخت، در سطح کلامی، لفظی و جسمی بودند در روابط با دیگران به مقدار زیاد چنین رفتارهایی را از خود بروز می‌دادند.

مطالعه تجربی هوستون و کارپنتر<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) نشان داد که دانش‌آموزان در

4- Rutter, & Giller  
5- Brennan

1- Hogleund, & Leadbeater  
2- Kinsfogel, & Grych  
3- Huston, & Carpenter

نوجوان از جمله مسائلی هستند که در این خانواده‌ها رواج دارند. آدامز و مونرو<sup>۱</sup> (۱۹۷۹) در مطالعه خود نشان دادند که نوجوانانی که از خانه فرار می‌کنند، در روابط خانوادگی مشکلات ناسازگاری دارند. خانواده‌های نوجوانان فراری اغلب نابهنجار و ناسازگار می‌باشند و نوجوانان دچار مسائل روانی ناشی از بد رفتاری اعضای خانواده هستند. مسائلی همچون عزت نفس پایین، بی اعتمادی، نداشتن توانایی و مهارت اجتماعی، میل به خودکشی، احساس انزوای عاطفی، ترس از دیوانه شدن و مسائل روانی-جسمانی از مواردی هستند که نوجوان را آزار می‌دهند. سالاری، شاملو، هومن و پورشهباز (۱۳۸۱) در پژوهشی نشان دادند که علائم افسردگی با کژ کاری خانواده ارتباط مستقیم دارد. همچنین، مقایسه سه گروه نشان داد که نوجوانان دارای علائم افسردگی در مقایسه با نوجوانان دارای علائم روان پزشکی و بهنجار، خانواده‌های کژکارتری داشتند. همچنین، ثابتی و شهینی ییلاق (۱۳۷۷) دریافتند که آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب کاهش ناسازگاری‌های اجتماعی -

عاطفی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستانی می‌شود. موسوی (۱۳۷۹) نیز در پژوهشی بر روی کودکان خانواده‌های مهاجر ایرانی و افغانی در کشور انگلستان نشان داد که عملکرد خانواده‌های افسرده در مقایسه با خانواده‌های سالم و خانواده‌های پریشان‌ناکارآمدتر است. خانواده‌های افسرده از همبستگی و انعطاف پذیری کمتری برخوردار بوده و اعضاء ارتباط کمتری با یکدیگر داشتند. در همین رابطه، فاضلی نیا (۱۳۸۰) در پژوهشی دریافت که طلاق و از هم پاشیدگی خانواده، تعدد فرزندان، وضعیت اقتصادی، کنترل بیش از حد فرزندان، دادن آزادی مطلق به فرزندان، فقدان باورهای مذهبی در خانواده، ازدواج مجدد والدین و ارائه محبت افراطی به فرزندان از مهمترین عوامل آسیب‌زایی اجتماعی در خانواده هستند. با توجه به اهمیت دوران نوجوانی و آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل حوادث فشارزا، این پژوهش دو هدف زیر را دنبال می‌کند: (۱) بررسی مشکلات و ناسازگاری‌های نوجوانان در ارتباط با عملکرد خانواده و (۲) سهم و مشارکت متغیرهای کارآیی خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس بر ناسازگاری دانش‌آموزان.

1- Adams, & Munro

فرضیه‌های این پژوهش عبارتند از:

۱- بین عملکرد خانواده و ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه منفی وجود دارد.

۲- بین جو روانی-اجتماعی کلاس و ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه منفی وجود دارد.

۳- بین عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه چندگانه وجود دارد.

بین دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه رشته‌های نظری ۸ دبیرستان (۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان پسرانه) به صورت تصادفی برگزیده شدند. در مرحله دوم از بین کلاس‌های سوم، سه کلاس به صورت تصادفی انتخاب، و در مرحله سوم از بین این کلاس‌ها تعداد ۱۲ الی ۱۳ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

### ابزارهای پژوهش

#### ۱- مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده<sup>۱</sup>.

این مقیاس شامل ۵۳ ماده است که برای سنجش عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک مستر<sup>۲</sup> تدوین شده است. این ابزار توسط اپشتاین و همکاران (۱۹۸۳) با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه شده است. همچنین، توانایی خانواده در سازش با حوزه وظایف خانوادگی را بر روی یک مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت به صورت کاملاً موافقم (۴)، موافقم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) مشخص می‌نماید.

نجراریان (۱۳۷۴) در پژوهشی سه عامل، یعنی نقش‌های خانوادگی، حل مسئله و ابراز

### روش تحقیق

#### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کل دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های عادی شهرستان ملایر در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ بود، که در یکی از رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی-فیزیک مشغول به تحصیل بودند. کل جامعه ۱۹۷۰ نفر (آمار موجود در سیستم رایانه مدیریت آموزش و پرورش شهرستان ملایر) می‌باشد که از این تعداد ۳۰۲ (۱۵۲ پسر و ۱۵۰ دختر) دانش‌آموز به صورت تصادفی مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که در مرحله اول واحد نمونه‌گیری دبیرستان‌ها بودند و از

1- Family Assessment Device

2- MacMaster

عواطف را شناسایی نمود. همچنین، مواد آزمون از ۵۳ ماده به ۴۵ ماده کاهش یافت. وی همسانی درونی کل آزمون را ۰/۹۳ به دست آورد. حداقل نمره در مقیاس فوق ۴۵ و حداکثر آن ۱۸۰ می باشد که نمره بالا نشان دهنده عملکرد سالم خانواده و نمره پایین عملکرد مختل خانواده را نشان می دهد. ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۸ و در عامل های حل مسئله ۰/۸۴، نقش ها ۰/۸۳ و ابراز عواطف ۰/۷۷ محاسبه گردید، که این نمره ها بیانگر همسانی درونی رضایت بخش این مقیاس است. برای بررسی روایی سازه این مقیاس از روش تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه های اصلی) استفاده شد که سه عامل، حل مسئله، نقش های خانوادگی و ابراز عواطف، در مجموع ۲۸/۰۸٪ از واریانس آن را تبیین نمودند.

۲- پرسشنامه کلاس من<sup>۱</sup>. برای بررسی جو روانی-اجتماعی کلاس از پرسشنامه کلاس من (فرایزر، اندرسن و والبرگ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵، به نقل از حسین چاری و خیر، ۱۳۸۱) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است که در یک طیف سه رتبه ای از نوع لیکرت به

صورت هیج وقت، گاهی اوقات و همیشه تنظیم شده است و دارای چهار خرده مقیاس با نام های اصطکاک<sup>۳</sup>، انسجام<sup>۴</sup>، وظیفه مداری<sup>۵</sup> و رقابت می باشد. حسین چاری (۱۳۸۰) ضریب پایایی را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای پرسشنامه کلاس من ۰/۸۳ گزارش کرده است. همچنین، او روایی سازه این پرسشنامه را با استفاده از روش تحلیل عاملی مورد مطالعه قرار داد و به چهار عامل انسجام، اصطکاک، وظیفه مداری و رقابت دست یافت.

در پژوهش حاضر ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۵ و برای در عامل های انسجام ۰/۸۰، اصطکاک ۰/۷۴، وظیفه مداری ۰/۶۰ و رقابت ۰/۵۰ محاسبه گردید، که بیانگر همسانی درونی رضایت بخش پرسشنامه کلاس من است. تنها در خرده مقیاس رقابت تا حدودی ضریب پایایی پایین می باشد. برای بررسی روایی سازه این مقیاس از روش تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه های اصلی) استفاده شد که چهار عامل انسجام، اصطکاک، وظیفه مداری و رقابت در مجموع ۴۶/۷٪ از واریانس

3- friction  
4- cohesion  
5- task orientation

1- My Class Inventory  
2- Fraser, Anderson, & Walberg

مقیاس را تبیین نمودند.

### ۳- پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان

دیپرستانی<sup>۱</sup>. پرسشنامه سازگاری (۱۹۹۳)، به نقل از کرمی (۱۳۷۵) توسط سینها<sup>۲</sup>، از دانشگاه شانکار<sup>۳</sup>، و سینگ<sup>۴</sup> از دانشگاه پانتا<sup>۵</sup>، در هندوستان، به منظور جداسازی دانش‌آموزان دیپرستانی ۱۴ تا ۱۸ ساله با سازگاری خوب از دانش‌آموزان با سازگاری ضعیف در سه حوزه عاطفی، اجتماعی و آموزشی، تهیه شده است. در این تحقیق از فرم نهایی ۶۰ ماده‌ای که گزینه‌های آن به صورت بلی و خیر می‌باشد، استفاده شده است. نمره‌گذاری آزمون به صورت صفر (سازگاری) و یک (عدم سازگاری) تنظیم شده است. سینها و سینگ (۱۹۹۳)، به نقل از کرمی، (۱۳۷۵) ضریب پایایی این مقیاس را به روش دو نیمه کردن برای کل مقیاس ۰/۹۵ و برای مقیاس‌های عاطفی ۰/۹۴، اجتماعی ۰/۹۳ و آموزشی ۰/۹۶ گزارش کرده‌اند.

در پژوهش حاضر، ضرایب پایایی مقیاس فوق با استفاده از روش کودر

ریچاردسون و دونیمه کردن برای کل پرسشنامه به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۰ و برای مقیاس‌های عاطفی ۰/۶۶ و ۰/۶۴، اجتماعی ۰/۶۲ و ۰/۵۸ و آموزش ۰/۶۷ و ۰/۵۸ محاسبه گردید، که نشان دهنده همسانی دورنی ماده‌های مقیاس فوق می‌باشد. به علاوه، برای بررسی روایی سازه مقیاس فوق از روش تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی) استفاده شد که پنج عامل ناسازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و فردی شناسایی شدند و یک عامل هم به علت تعداد کم ماده‌ها (سه ماده) فاقد نامگذاری بود. پنج عامل در مجموع ۲۴/۹۱٪ از واریانس مقیاس را تبیین کردند.

### طرح پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نحوه گردآوری داده‌ها یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی<sup>۶</sup> است که هدف آن توصیف شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۲). پژوهش توصیفی از نوع همبستگی به بررسی رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته می‌پردازد. نوع دیگر پژوهش همبستگی تحلیل رگرسیون

6- correlation

- 1- Adjustment Inventory of High School Students
- 2- Sinha
- 3- Shankar
- 4- Singh
- 5- Panta



بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و جو روانی - اجتماعی کلاس با...

جدول ۱. شاخص‌های آماری متغیرهای مورد مطالعه

نمونه		کل نمونه (۳۰۲ نفر)		پسران (۱۵۲ نفر)		دختران (۱۵۰ نفر)	
شاخص‌ها متغیرها	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
جو کلاس	۴۰/۷	۳/۸۶	۴۰/۴۵	۴/۰۲	۴۰/۹۳	۳/۶۷	
ناسازگاری	۱۶/۳۹	۶/۶۸	۱۷/۲۶	۶/۹۳	۱۵/۵	۶/۳۳	

چندگانه<sup>۱</sup> است که هدف آن پیش‌بینی یک متغیر ملاک از یک یا چند متغیر پیش‌بین است. دست آمده‌اند. همچنین، شاخص‌های آماری متغیرهای فوق برای دانش‌آموزان پسر و دختر به تفکیک در جدول فوق ذکر شده است.

#### یافته‌ها

در این بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ذکر می‌شوند.

#### الف. یافته‌های توصیفی

ب. یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده عملکرد خانواده، جو کلاس و ناسازگاری را در دانش‌آموزان نشان می‌دهد.

فرضیه اول تحقیق: بین عملکرد خانواده و ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه دوم تحقیق: بین جو روانی-اجتماعی کلاس و ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه منفی وجود دارد.

#### الف. یافته‌های توصیفی

شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ گزارش شده است.

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین (و انحراف معیار) متغیرها در کل نمونه به ترتیب برای عملکرد خانواده

1 - multiple regression analysis

جدول ۲. ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	ناسازگاری	سطح p
عملکرد خانواده	-۰/۳۵	$p < ۰/۰۱$
جو کلاس	-۰/۱۹	$p < ۰/۰۱$

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، ضرایب همبستگی عملکرد خانواده و جو کلاس با ناسازگاری دانش آموزان به ترتیب  $-۰/۳۵$  و  $-۰/۱۹$  می‌باشند که هر دو ضریب منفی و در سطح آماری  $p < ۰/۰۱$  معنی‌دار هستند. این یافته‌ها فرضیه‌های اول و دوم پژوهش را تأیید می‌کنند.

جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی رگرسیون چندگانه بین عملکرد خانواده، جو کلاس با ناسازگاری دانش آموزان به نسبت  $F$  محاسبه شده برای عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش آموزان  $۲۳/۸۲$  می‌باشد که این نسبت در سطح آماری کمتر از  $۰/۰۰۱$  معنی‌دار است.

بر اساس اطلاعات جدول ۳، ضریب رگرسیون چندگانه عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش آموزان (روش ورود)

ضرایب رگرسیون B		نسبت F سطح P	R <sup>2</sup>	R	متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک
۲	۱					
	B = -۰/۱۶ β = -۰/۳۴ t = -۶/۴۱ p < ۰/۰۰۱	F = ۴۱/۰۸ p < ۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۳۴	عملکرد خانواده	ناسازگاری دانش آموزان
B = -۰/۲۷ β = -۰/۱۳ t = -۲/۴۲ p < ۰/۰۰۱	B = -۰/۱۵ β = -۰/۳۱ t = -۶/۷۲ p < ۰/۰۰۱	F = ۲۳/۸۲ p < ۰/۰۰۱	۰/۱۴	۰/۳۷	جو کلاس	

### بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، رابطه عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه مدارس شهرستان ملایر مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آنند که فرضیه‌های تحقیق از لحاظ آماری تأیید شده‌اند. از این یافته‌ها به طور کلی می‌توان به نتایج زیر دست یافت: (۱) بین عملکرد خانواده و ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه منفی وجود دارد، (۲) بین جو روانی-اجتماعی کلاس و ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه منفی وجود دارد و (۳) عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه رابطه چندگانه وجود دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های های کینس فوگل و گریچ (۲۰۰۴)، هوگلند و لیدیتتر (۲۰۰۳)، هوستون و کارپنتر (۱۹۸۵)؛ روتر و گیلر (۱۹۸۴)، برینان (۱۹۸۰)، آدامز و مونرو (۱۹۷۹)، سالاری و همکاران (۱۳۸۱)، موسوی (۱۳۷۹)، فاضلی نیا (۱۳۸۰) و ثابتی و شهنی بیلاق (۱۳۷۷) هماهنگ می‌باشند. همچنین، یافته‌های این پژوهش تأیید کننده پژوهش‌های کیسنر و کر (۲۰۰۴)، پاترسون و

روانی-اجتماعی کلاس و ناسازگاری دانش‌آموزان برابر با ۰/۳۷ و ضریب تعیین ۰/۱۴ به دست آمده است که نشان می‌دهد ۱۴ درصد از واریانس تغییر در نمره‌های ناسازگاری دانش‌آموزان در اثر دو متغیر عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس می‌باشد. این یافته‌ها فرضیه سوم پژوهش را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که متغیرهای عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس پیش‌بین‌های مناسبی برای ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم دبیرستان می‌باشند. محاسبه بتای استاندارد عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس (-۰/۳۴) = عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس (-۰/۱۳) = جو روانی-اجتماعی کلاس) به ارتباط معکوس بین عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس با ناسازگاری دانش‌آموزان در جمعیت مورد مطالعه اشاره دارد. همچنین، دقت در نسبت تی تست‌های محاسبه شده نشان می‌دهد که عملکرد خانواده ۶/۴۱- در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ و جو کلاس (۲/۴۲-) در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. بنابراین، ورود هر دو متغیر در معادله معنی‌دار می‌باشد و بر اساس آن‌ها می‌توان ناسازگاری دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه را پیش‌بینی کرد.

همکاران (۱۹۹۲)، موفیست (۱۹۹۳)، برونفبرینر (۱۹۸۹) و برونفبرینر (۱۹۷۹) است که تأثیر محیط‌های خانواده و گروه همسالان را روی شایستگی‌های نوجوانان به صورت ترکیبی مورد بررسی قرار داده‌اند. این یافته‌ها بیانگر آن است که ناسازگاری دانش‌آموزان و روابط معیوب و مختل عاطفی، اجتماعی و آموزشی آنها تا حدودی متأثر از عملکرد ناقص و معیوب خانواده و جو ناسالم و نامناسب کلاس درس است. تبیین نتایج این پژوهش به مدد بسیاری از نظریه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و خانواده درمانی امکان پذیر است. کیسنر و کر (۲۰۰۴) از خانواده، همسالان و بافت‌های فرهنگی (مثل مدرسه) به عنوان سه عامل اصلی تعیین کننده رفتار مشکل‌دار نوجوانان و جوانان نام می‌برند. آنان معتقدند که همسالان در مدرسه و در طی اوقات فراغت، می‌توانند نوجوان را به سمت و سوی رفتار مشکل‌دار هدایت نمایند. نوع برخورد والدین در خانواده و آداب تعلیم و تربیت است که می‌تواند گرایش نوجوانان به سوی همسالان را تقویت کند و یا اینکه مانع از آن شود. سان تروک (۱۹۹۷) عقیده دارد عامل بسیار مهمی که تأثیرات زندگی خانوادگی و محیط مدارس را مشخص می‌کند، فضای عاطفی-روانی موجود در این دو محیط و تقویت مداوم رفتارها از طرف خانواده و مدارس در حساس‌ترین سال‌های حیاتی افراد، یعنی، دوران نوجوانی و جوانی است. با توجه به رابطه منفی عملکرد خانواده و جو روانی-اجتماعی کلاس درس با ناسازگاری، این گونه به نظر می‌رسد که ضعف عملکرد خانواده باعث ایجاد عدم آرامش در فرد و ناراحتی او در جریان ارتباط با دیگران خواهد شد، زیرا فرد در ارتباط اجتماعی با دیگران حساس بوده و از خود انتظارات منفی دارد. وقتی که فرد وارد محیط‌های اجتماعی دیگری مثل کلاس و مدرسه می‌شود به علت احساس خجالت و راحت نبودن، احساس درک نشدن توسط دیگران، احساس دوستانه نبودن رفتار خود با دیگران، تعارض و کشمکش، بی تفاوتی، اعتماد به نفس پایین، احساس خشم، احساس طرد شدگی، سوء تفاهم، انزوا، بیگانگی، بی‌حوصلگی و تشویش نموده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم سعی در ایجاد یک جو ناسالم و نامناسب کرده و به نوعی بر میزان ناسازگاری او افزوده خواهد شد. در رابطه با جو مدارس نیز می‌توان به مشاهدات و مطالعات تجربی هوستون و کارپنتر (۱۹۸۵) اشاره کرد. آنها معتقدند که

دانش‌آموزان در کلاس و فعالیت‌هایی که به صورت جدی سازمان یافته هستند، در انجام تکالیف و یادگیری خوب دقت می‌کنند، به راهنمایی‌های معلم توجه می‌کنند و از قواعد و راه و روش کلاس پیروی می‌کنند. در ضمن، دانش‌آموزان مدت زیادی را صرف کنش متقابل با معلم می‌کنند و کمتر با همسالان در ارتباط هستند. بر عکس، انضباط و سازماندهی در سطح پایین سبب می‌شود که کنش متقابل با معلم کمتر و با همسالان بیشتر شده، و پرخاشگری در آنان تقویت شود.

نتایج پژوهش حاضر با توجه به رویکردهای خانواده درمانی عصر حاضر نیز بسیار حائز اهمیت است. همان طوری که مینوچین (۱۹۷۴، ترجمه: ثنایی ذاکر، ۱۳۷۵) معتقد است سیستمی که بیش از همه بر رفتار فرد اثر دارد، خانواده است. در واقع، خانواده نه تنها رفتار سازشی و بهنجار، بلکه رفتارهای نابهنجار افراد را شکل می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت که عملکرد سالم و بهنجار خانواده است که زمینه رفتارهای سالم و بهنجار را در فرد ایجاد می‌کند، خصوصاً، در دوران نوجوانی و جوانی که با توجه به شرایط خاص دوران رشد بسیار مخاطره آمیز می‌باشد. لذا، کمترین بی‌توجهی والدین در

این سنین به نوجوان، و عملکرد نامطلوب خانواده، نوجوان و جوان را به سمت و سوی رفتارهای ناسازگار سوق خواهد داد.

نتایج پژوهش حاضر از نظر آموزش و پرورش نیز حائز اهمیت است. همان طور که می‌دانید، یکی از اهداف آموزش و پرورش تربیت دانش‌آموزانی است با روابط سالم و سازنده و جلب توجه این دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و داشتن روابط اجتماعی سالم، تا بتوانند شهروندان مفیدی برای خود و جامعه باشند. لذا، تا شرایط لازم از نظر آموزش فراهم نگردد، تحقق این هدفها تا حدودی غیرممکن است.

اگر در مدرسه و کلاس درس جو روانی- اجتماعی سالمی ایجاد نگردد و دانش‌آموزان طی سال‌های تحصیلی چنین جوی را تجربه نکنند، نمی‌توان انتظار افرادی سازگار و جامعه‌ای سالم داشته باشیم. لذا، خانواده و اعضای آن، مربیان مدارس، معلمان در کلاس درس، متولیان جامعه و نهادهای اجتماعی مرتبط با تربیت، باید در تربیت دانش‌آموز سازگار تلاش بی‌وقفه داشته باشند تا اینکه جامعه‌ای سالم و سازگار داشته باشیم.

جامعه‌ای که افراد بتوانند رشد و بالندگی داشته و به شکوفایی و تکامل که هدف اصلی آفرینش است دست یابند.

- با توجه به نتایج به دست آمده و اهمیت و ضرورت این پژوهش کاربردهای اجرایی و ضرورت این پژوهش کاربردهای اجرایی کلاس در تمامی سطوح و پایه‌ها به مربیان آموزش داده شود.
- ذیل پیشنهاد می‌شود:
- ۴- در تدریس مهارت‌های زندگی از افراد متخصص استفاده شود و در این کلاس‌ها راهبردهای دوست یابی، مقابله با خشم، مقابله با احساس شکست و یأس، مقابله با احساس تنهایی و شیوه‌های مناسب ابراز وجود و ابراز عواطف در دستور کار قرار گیرد.
- ۱- از آنجایی که خانواده در سلامت روان و سازگاری فرزندان تأثیر بسیار زیادی دارد، کلاس‌های آموزش خانواده به صورت جدی‌تر و در سطح وسیع‌تری مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- مهارت‌های ابراز وجود، ابراز عواطف، حل مسئله و برقراری ارتباط کلامی و غیرکلامی به والدین و فرزندان آموزش داده شود.
- ۳- راه‌های ایجاد جو مناسب و سالم در کلاس در تمامی سطوح و پایه‌ها به مربیان آموزش داده شود.
- ۴- در تدریس مهارت‌های زندگی از افراد متخصص استفاده شود و در این کلاس‌ها راهبردهای دوست یابی، مقابله با خشم، مقابله با احساس شکست و یأس، مقابله با احساس تنهایی و شیوه‌های مناسب ابراز وجود و ابراز عواطف در دستور کار قرار گیرد.
- ۵- شیوه‌های صحیح برخورد با نوجوانان و جوانان در سنین نوجوانی و جوانی به والدین و مربیان آموزش داده شود.
- ۶- راه‌های ایجاد جو مناسب و سالم در کلاس در تمامی سطوح و پایه‌ها به مربیان آموزش داده شود.

## منابع

### فارسی

- بخشی‌پور رودسری، عباس (۱۳۸۰). خانواده به عنوان یک سیستم تعاملی. پیام مشاور، شماره ۶، صص. ۲۲-۷.
- ثابتی، فهیمه و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۷۷). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در کاهش ناسازگاری‌های اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان پسر ناسازگار دبستان اهواز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال پنجم، شماره‌های ۳ و ۴، صص. ۱۶-۱.

- ثنائی ذاکر، باقر (۱۳۶۴). مقدمه‌ای بر روان‌درمانی خانواده. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حسین چاری، مسعود (۱۳۸۰). سنجش پایایی و روایی مقیاس جو روانی-اجتماعی کلاس برای استفاده در مدارس راهنمایی ایران. چاپ نشده. شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- حسین چاری، مسعود و خیر، محمد (۱۳۸۱). بررسی جو روانی-اجتماعی کلاس به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال نهم، شماره‌های ۳ و ۴، صص. ۴۲-۲۵.
- سالاری، راضیه السادات، شاملو، سعید، هومن، حیدرعلی و پورشهباز، عباس (۱۳۸۱). مقایسه کارکرد خانواده در نوجوانان افسرده و بهنجار. تهران: اولین کنگره سراسری روان‌شناسی ایران.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگه.
- فاضلی نیا، فرزانه (۱۳۸۰). نقش خانواده و مدرسه در آسیب‌زایی روانی-اجتماعی کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- کرمی، ابوالفضل (۱۳۷۵). آزمون‌های روانی. دانشگاه علامه طباطبایی تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، جزوه درسی، چاپ نشده.
- موسوی، اشرف السادات (۱۳۷۹). تأثیر عملکرد نظام خانواده بر بهداشت روانی اعضای خانواده. مجله اندیشه و رفتار. سال ۶، شماره‌های ۲۲ و ۲۳، صص. ۹۶-۸۷.
- مینوچین، سالوادور (۱۹۷۴). خانواده و خانواده درمانی. ترجمه: باقر ثنائی ذاکر (۱۳۷۵) تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجاریان، فاطمه (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر کارآیی خانواده: بررسی روان‌سنجی مقیاس سنجش خانواده (FAD-I). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.

لاتین

- Adams, G. R., & Munro, G. (1979). Portrait of the North American runaway: A critical review. *Journal of Youth and Adolescence*, 8, 359-373.
- Brennan, T. (1980). A descriptive multivariate analysis of selected social psychological background conditions. *Journal of Family*, 1, 189-209.
- Bronfenbrenner, U. (1979). Contexts of child rearing: Problems and prospects. *American Psychologist*, 34, 844-850.
- Bronfenbrenner, U. (1989). Ecological systems theory. *Annals of child development*. JAI Press, Greenwich, CT, 187-249.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster Family Assessment Device. *Journal of Marital and Family Therapy*, 9, 171-180.
- Hoglund, W. L., & Leadbeater, J. (2003). The effects of family, school, and classroom ecologies on changes in children's social competence and emotional and behavioral problems in first grade. *Journal of Developmental Psychology*, 40, 539-544.
- Huston, A. C., & Carpenter, G. J. (1985). Gender influences in classroom interaction. New York: Academic Press.
- Kiesner, J., & Kerr, M. (2004). Families, peers, and contexts as multiple determinants of adolescent problem behavior. *Journal of Adolescence*, 27, 493-495.
- Kinsfogel, M., & Grych, H. (2004). Interparental conflict and adolescent dating relationships. *Journal of Family Psychology*, 18, 505-515.
- Moffitt, T. E. (1993). Adolescence limited and life course persistent antisocial behavior: A developmental taxonomy. *Psychological Review*, 100, 674-701.
- Patterson, G. R., Reid, J. B., & Dishion, T. J. (1992). *Antisocial boys: A social interactional approach*. Castalia Publishing Company, Eugene, OR.
- Rutter, M., & Giller, H. (1984). *Juvenile delinquency: Trends and perspectives*. New York: Guilford.
- Santrock, J. W. (1997). *Life-span development*. University of Texas: McGraw - Hill.